



۲۰۲۰/۰۳/۲۵

اختر محمد یوسفی

## قانون اساسی افغانستان وثیقه ملی است!

قانون اساسی و قانون انتخابات افغانستان در مورد انتخابات و انتخاب رئیس جمهور صراحت دارد. نباید اینبار مانند انتخابات سال ۲۰۱۴ میلادی ریاست جمهوری افغانستان دوباره با میاجیگری مفسدین داخلی و خارجی مانند عمل خانناغه جان کری وزیر خارجه وقت امریکا برای تعمیم اهداف خارجی ها برضد قانون اساسی افغانستان معامله شود.



بعد از انتخابات و چندین بار باز شماری صندوق های رأی دهندگان بر اساس نتایج انتخابات توسط کمیسیون انتخابات افغانستان داکتر اشرف غنی را به حیث رئیس جمهور اعلان نمود. اشرف غنی به حضور هزاران اشتراک کننده و دیپلمات های خارجی حلف وفاداری خویش را برای ریاست جمهوری ادا نموده که تعداد زیادی از کشور ها به شمول سازمان ملل متحد به اشرف غنی بحیث رئیس جمهور منتخب افغانستان پیامهای تبریکی فرستاده و آمادگی همکاری خود را با وی اعلان نموده اند. همزمان با حلف وفاداری اشرف غنی به حیث رئیس جمهور افغانستان در عقب دیوار همان عبدالله عبدالله با حمایت عده ای از جنایتکاران و مجرمین جنگی چهار دهه جنگ در افغانستان خود را نیز به حیث رئیس جمهور افغانستان اعلان نمود. اعلان عبدالله عبدالله به حیث رئیس جمهور دوم افغانستان نه اینکه یک عمل غیر قانونی و بغاوت در برابر قانون اساسی کشور است بلکه بر اساس قانون اساسی افغانستان جرم مشهود نیز می باشد.

این بحران که شما می بینید، بحران جدید جنگ در افغانستان نیست، بلکه ادامه بحران جنگ چهل ساله در افغانستان است که توسط همین حلقات جنایتکار جنگی در برای غارت و چپاول و اهداف خارجی ها ایجاد و تشدید گردیده است. هر آنکه منافع نامشروع خود را چپاولگران و جنایتکاران با بادران خارجی شان در خطر ببینند، آتش جنگ و شانتاژ را تشدید می کنند. این شعبده بازان حرفوی خوب میدانند که چه وقت شادی شان را بر سر سنجی برای شادی بازی با دلقق های خود بکشند. انتخابات ریاست جمهوری برای آنان صرف یک بهانه است، ببینیم که عوامل تشدید کنونی بحران این جنایتکاران در کجا نهفته است.

\* ایالات متحده امریکا بعد از هژده ماه مذاکرات پیچیده و سرپوشیده با وساطت پاکستان توافقنامه خروج قوای نظامی خود و ناتو را در توافقنامه یکجانبه با طالبان به تاریخ ۲۹ ماه فیبروری در دوحه پایتخت قطر امضاء نمودند. در توافقنامه ایالات متحده امریکا با طالبان برخی مواد مندرج که اجرای آن به افغان ها تعلق دارد در عمل با شرایط موجود و ساختارهای موازی موجود محصول جنگ سه دهه اخیر در صحنه کنونی سیاسی افغانستان غیر عملی است. فشارهای مقامات ایالات متحده امریکا

بالای دولت ضعیف افغانستان برای جلوگیری از ناکامی توافقنامه با طالبان غرض تطبیق آن مواد مندرج که اجرای آن به افغان ها تعلق می گیرد وضع بحران را بیشتر از پیش تشدید نموده است. پروسه صلح طرف های درگیر داخلی جنگ در افغانستان که از حمایت مستقیم حمایتگران متخاصم منطوقی و بین المللی برخوردار هستند، صلح و قطع جنگ بدون اشتراک نمایندگان قربانیان اصلی مردم در جنگ افغانستان و توافق بازیگران منطوقی و بین المللی آن که از جنایتکاران اجیر شان حمایت می کنند ناممکن است.

\* جنگ سه دهه اخیر در افغانستان ترکیبی از قوت های داخلی جنایتکاران جنگی و مفسدین سیاسی متخاصم بدون حمایت و پشتوانه اکثریت مردم خسته از جنگ بیگانگان در افغانستان است. جنگ سه دهه اخیر در افغانستان براساس توطئه های دشمن با تعلقات قومی و مذهبی که توسط حمایتگران منطوقی و بین المللی خارجی حمایت می شود به دو مرکز متضاد اتحاد ضد طالب و اتحاد طالب تقسیم گردیده است. تأمین صلح و قطع جنگ توسط اتحاد طالب و اتحاد ضد طالب ناممکن است.

## اول- اتحاد ضد طالبان:

اتحاد ضد طالبان قبل از خروج قوای نظامی شوروی از افغانستان برای تداوم جنگ و خونریزی در میهن ما توسط اجیران داخلی جنگی در وجود جمعیت "اسلامی" به رهبری برهان الدین ربانی، گلجمان رشید دوستم، رهبری فرقه اسماعلیه کیان، و حزب "وحدت" پیروان خمینی بوجود آمده است، که اکنون از حمایت مستقیم ایران، ترکیه و فدراتیف رو سیه تا هنوز هم برخوردار هستند. جمعیت "اسلامی" شاخه ای از حزب "اسلامی" است که در مراحل اولی قیل از "جهاد" با حزب اسلامی یکجا بودند. حزب "اسلامی" در آنوقت بر ضد جمهوریت محمد داود خان بغاوت های لغمان ولسوالی پنجشیر دست بکار شدند و تعمیرات ولسوالی ها در دادند. احمدشاه مسعود از جمله اولین چهار نفر بود که برای تربیت نظامی به مصر و لبنان از طرف اخوان المسلمین اعزام گردیده است. از جمله همان چهار نفر، احمد شاه مسعود تنها به لبنان اعزام می گردد که جناح "اخوانی" پی. ال. او. در داخل "الفتح" تحت فرماندهی عرفات، او را تعلیم می دهند. احمدشاه مسعود یگانه کسی بوده است، که متخصصین امریکائی او را یک قوماندان برجسته در جنگ های "چریکی" می شناخته اند. عبدالله عزام از تندروان اخوان المسلمین فلسطینی به حیث مشاور جنگ جمعیت "اسلامی" در پشاور پاکستان بود که بعدها در اثر اختلافات داخلی جنگجویان عرب با تنظیمهای "جهادی" افغان در پاکستان در شهر پشاور ترور گردیده است. احمد شاه مسعود بعد از حادثه ۱۳۵۸ شمسی هرات یگانه کسی بوده است، که در لیست "جنگ سر پوشیده" به پنجشیر اعزام می گردد.

تصادفی نیست که اعضای جمعیت "اسلامی" و شورائی نظار احمدشاه مسعود دستمال های چارخانه تکه یاسر عرفات را بگردن خود دارند. بهر حال روز بدی هم فرار رسید که احمدشاه مسعود توسط تندروان عرب به همکاری یاران خودش به قتل رسید. چندی بعد دستگاه استخباراتی فرانسه دوست خلل ناپذیر عاشق چهار آتش احمدشاه مسعود، استاد یاسر عرفات را هم در



یکی از شفاخانه های شهر پاریس در یک خیمه پلاستیکی خفه می کند اینست نتیجه خدمت با استخبارات بیگانه.

در نتیجه انشعاب در بین حزب "اسلامی" به رهبری گلبدین حکمتیار و جمعیت "اسلامی" برهبری برهان الدین ربانی تشدید اختلافات تنظیم های "جهادی" در پاکستان همزمان اوج گرفته باعث تمایلات جمعیت "اسلامی" به رهبری برهان الدین ربانی و احمدشاه مسعود با شوروی ها نزدیک می گردد که موجب قراردادهای محفی با شوروی می شوند و درعین حال از اعتماد غربی ها با جمعیت "اسلامی" و احمدشاه مسعود کاسته می شود.

فعالیت های همکاری شورویها توسط افسران کا. جی. بی. با جمعیت "اسلامی" برهبری ربانی و شورای نظار احمد شاه مسعود در داخل افغانستان رهبری میگردید. در یکی از روزها دوسیه همکاری اطلاعاتی برهان الدین ربانی از سر میز سرمشاوور شوروی در ریاست پنج وزارت امنیت دولتی مفقود میشود. شورویها مفقودی دوسیه را بالای رئیس عمومی ریاست پنج تورن جنرال جلال زرمنده شک میکند. شبکه های مؤظف کا. جی. بی. در هنگام تسلیمی یکی از گروه های جمعیت "اسلامی" بدولت در ولسوالی اوبی هرات در فیر بدرقه هوایی رئیس عمومی ریاست پنج جنرال جلال زرمنده را نیز می کشند. اتحاد ضد طالبان مجدأ بعد از حملات القاعده دوست طالبان بر بیس های امریکایی در عربستان سعودی و حمله بر سفارت امریکا در نایروبی با غرب تقویت می شود. استخبارات سی. آی. ای. در علمیات ضد طالبان در افغانستان به قوماندانان جمعیت "اسلامی" به رهبری برهان الدین ربانی، گلجمان رشید دوستم، رهبری فرقه اسماعلیه کیان، و حزب "وحدت" پیروان خمینی را با پولهای وافر میدهند و آنها را برای سفود طالبان استخدام می نمایند. با سرنگونی طالبان در ماه دسمبر سال ۲۰۰۱ میلادی در کنفرانس بن المان قدرت دولتی را کشورهای غربی بشمول امریکا به اتحاد ضد طالبان می سپارند.

## دوم - اتحاد طالبان:

اتحاد طالبان در جریان جنگ های داخلی تنظیم های "جهادی" بر سر قدرت در افغانستان هنگامیکه رهبری جنگ در افغانستان از کنترل پاکستان خارج گردیده بود، مطمئن ترین فرد پاکستان صدراعظم گلبدین حکمتیار بود که قوت های جنگی آن در خارج از شهر کابل در چهار آسیاب مستقر بودند. گلبدین حکمتیار شهر کابل را زیر آتش فیرهای راکت قرار میداد و در مدت چند ماه بیش از هفتاد هزار افراد ملکی بیگناه را به قتل رسانید. پاکستان با ارسال طالبان مدارس خویش برای تقویه آتش جنگ افغانستان زمینه ادغام فعالیت های مشترک جنگی طالبان با القاعده را نیز فراهم نمودند و پاکستان توانست جنگ را به نفع خویش مهار کند. گرچه طالبان افغانستان را از خطر تجزیه مانند اکنون که دشمنان افغانستان میخواستند نجات دادند، مگر اعمال خشن و تندروی شان از دین "اسلام" کشور را ویران نمودند. طالبان در اوایل از حمایت بی حساب مالی عربستان سعودی و کشورهای عربی برخوردار بودند که تا هنوز هم عربستان سعودی و برخی کشورهای عربی در رقابت با ایران در جنگ نیابتی طرفداری از طالبان را می کند.

\* اگرچه هر دو طرف اتحاد طالب و اتحاد ضد طالب در الفاظ شعارهای صلح را تبلیغ میکنند، مگر بنا بر تجارب گذشته، ترس و انتقام جویی باموجودیت وابستگیهای متضادی منطقوی و بین المللی شان صلح و قطع جنگ در افغانستان توسط هر دو آن امر بعید است.  
\* آنچه را که اکنون جانب مقامات ایالات امریکا به حیث آله فشار کاهش کمک یک میلیون دالری و تقسیم قدرت بالای اشرف غنی مانند انتخابات سال ۲۰۱۴ میلادی که توسط جان کری وزیر خارجه وقت امریکا بعد از انتخابات ریاست جمهوری افغانستان صورت گرفت بود روی دست گرفته اند تکرار مجدد فاجعه و نقض صریح قانون اساسی افغانستان است. تقسیم قدرت چوکی ها مقامات ریاست جمهوری افغانستان دوباره با میاجگیری مفسدین داخلی و خارجی به هیچ وجه به صلح و قطع جنگ در افغانستان نمی انجامد. تقسیم قدرت چوکی ها مقامات یک عمل واضح خاینانه است، که در هرحالت آن تداوم جنگ هر دو اتحاد طالب و اتحاد ضد طالب را با خود حتمی دارد.

پای

